

## تشکیلات نظامی غزنویان

By: C. E. Bosworth (St. Andrews)

(۲)

اهمیت اردوی غلامان درین بود که مردمان بیکس بودند و در محیط، قوم و قریب نداشتند؛ بعلاوه بهنگام هجوم قدرت حرکی شان شگفت انگیز بود. ایشان در صباوت از مرزهای اسلامی حمل میشدند، و بدین جهت جسم و فکرشان بد اخواه امراء و باداران تربیت میگردد و بالنتیجه افراد ورزیده نظامی بارمی آمدند. چون غلامان را علقه و وظیفه و وفاداری شخصی، به سلطان مربوط میساخت، بنابراین فرمانبردار و مطیع بلا شرط او میبودند؛ چون همه چیز خود را مد یون پادشاه بودند، از روابط اجتماعی و مناسبات طبیعی نیز عینابه پیمانانه ای که نظام میان تربیت یافته محلی، خواه مخواه برخوردار بودند. بهره می یافتند. شاعر گوید:

یک بنده مطواع به از صد فرزند این مرگ پذیر خواهد و آن عمر خداوند  
کمال مطلوب این بود: که تمام عناصر نظامیان، بایستی از راه علایق شخصی  
با سلطان ارتباط داشته باشند. به کلمات کیکارس «و چنان باید که در همه  
وقت لشکر تو، بجان و سر تو سوگو کنند خورند» (۳) ولیکن این علاقه در صورتی  
هر چه ناگسستنی تر میشد که یک جانب آن برده و غلام میبود.

تاریخ تکامل چنین تشکیلاتی در حوزه خلافت، بزمانی میرسد که خلفای  
نخستین عباسی، اول از راتبه و معاش اعراب حر و مقاتله، کسر نمودند.  
و سپس این مظلومه را بگردن گرفتند که از عواید و پس انداز آن، غلامان ترکی  
نژاد خریداری کنند. بدینصورت المعتصم، پس از جلوس در سال ۸۳۳ عر بها را  
از دیوان خاص، جبرا بمصر گسیل کرد و در عوض غلامان را استخدا م

(۳) سیاستنامه، چاپ قزوینی و چاردهی تهران (۱۳۳۴) فصل ۲۷ ص ۱۲۷، قابوسنامه طبع ر. لیبوی  
انتشارات کیب، لندن ۱۹۵۱ فصل ۴۱ ص ۱۲۹-۳۰ (نویسنده). متن از سیاستنامه چاپ مذکور  
استخراج گردید. همچنان قابوسنامه، چاپ خانه خاور، تهران (۱۳۱۷) (مترجم) مرجع در  
آخر پراگراف گذاشته شده بود. گویا سهو چاپ خانه باشد (مترجم)

نمود (۴). این امر نتیجه مستقیم رشد اقتصاد و تجارت در اوایل خلافت عباسی و رشد اقتصاد پولی آن دوره بود، و آن محرك حساسی برای جلب نظر میان رضا کار شمرده میشد. سلاله های دور از مرکز هم، که بعضی از آنها مانند طو لونی ها و اخشیدیها، خود از نژاد غلام بودند، همین روش را پسندیدند. یعقوب بن لیث، دو هزار از بن غلامان را محافظ و گارد و خدمتگزار خود گماشته بود، که همه مسلح بودند و سلاح شان از مدار کمی تهیه شد که پس از فتح نیشاپور و از خزینه های محمد بن ظاهر، بدست آمده بود. یعقوب در اردوی خود مقداری عساکر هندی نژاد، نیز نگه میداشت. عمرو برادرش، خرید غلامان ترک را از ایام جوانی شروع کرده بود. آنها را پس از تعلیم و تدریب، به افسران قشون خود می سپرد و از ایشان برای جا بوسی به نفع خود، سود می جست؛ و این توقمی بود که در دوره غزنویان، دیگر و وظیفه اصلی و دایمی شده بود (۵).

دیالمه، از مرز اویج بن زیار به بعد، بیروان دیلمی را همواره با غلامان ترکی می آمیخته اند. البته این رویه بعالت ضرورتی بود که در تشکیلات نظامی ایشان احساس میشد؛ زیرا دیلمیان کوه نشین نظامی پیش از همه، نظامیان بیابانه بودند، و این رضا کاران، بهنگام مهاجمه و پیشرفت، در دشتهای و دهنهای ایران مرکز، به اسب و قشون سواره نیاز داشتند (۶). این نقیصه را بوسیله سوارکاران ترکی

(۴) فون کریمر *Cluturgeschichte* ۱/۲۳۲-۶/۱ بیوی *Social Structure of Islam*، ۴۱۷ بجواله و نجوم، از تئری بردی و خط متریزی، علی الترتیب (۵) ممدودی، *مروج الذهب*، پاریس، VIII، ۴۹-۵۱، تاریخ سبستان، بهار، تهران، ۱۳۱۴، ۲۲۲، ۳۰۸، ۴۰۹، ابن الاثیر، *تواریخ*، VII، ۳۴۷، میر خوند، *روضه الصفا*، رضاقلی خان، تهران، ۱۳۷۰، IV، ۶.

در باره اینکه غزنویان از غلامان بحیث مشرف افسران استفاده مینمودند، رجوع شود

مثلاً به بیعتی ص ۲۵۰

(۶) مسکویه، *Eclipse of the Abbasid Caliphate*، ف. آمد روز، همچنین د. س. مارگلیوت، *اکسفورد*، ۱۹۲۰، II، ۷۷، ۳۲۹، ترجمه، ۳۵۶، ۷، ۸۱، مینورسکی، *Ira domination of Dailamites*، پاریس، ۱۹۳۲، ۲۰، اصحابخیری، *خاب کوحه*، BGA، ۲۰۵، در باره فقدان اسب در دیلم اشاره ای دارد: لیث *عندهم من الدواب*.

رفع کردند. افسران دیلمی با این سوار کاران ترك، از پیش، وقتیکه در قشون سامانی خدمت میکردند، آشنا بودند. در نتیجه وقتیکه ترکان در قشونشان داخل گردیدند، بزودی بهمان عزت و مقامی رسیدند که دیلمیان خود داشتند. اکثریت غلامان معز الدوله (منوفی ۳۵۶/۹۶۷) ترك بودند، و از لحاظ راتبه و معاش و دریافت اقطاع بر دیلمیان ترجیح می یافتند (۷).

سامانیان غلامان ترك را، مستقیماً از سستیپ های ماورای سر دریا، دلمادر اء النهر جلب مینمودند. در حکومت اسمعیل بن احمد (۲۷۹-۸۹۲/۹۵-۹۰۷) سپه سالار قشون سامانی يك نفر غلام بود. امرای سامانی را مطلب این بود که بواسطه آن غلامان تعادل مؤثری را در مقابل عناصر سلجشور بومی دهقان های آریایی نژاد - که خدشه ای را در راه تمرکز یافتن سیاست ایشان تولید مینمودند - برقرار کنند. طوری که حوادث نخستین، مانند قتل ابونصر احمد بن اسمعیل (۲۹۵-۳۰۱-۹۰۷-۱۴) بدست غلامانش، و بی کفایتی امیران سامانی در نیمه دوم قرن دهم، و اتکای شان بر غلامان، به اثبات رسانید، این آرزو تحقق پذیرفت. لیکن آنگاه که امراء مقنن بودند و مهراز اداره قشون را بدستی در کف داشتند، بگفته مشاهدنی مانند اصطخری، قشون غلام نژاد سامانی از لحاظ نظم و اداره و جسارت و قهور در جنگ، قابل تمجید بوده است. نصر بن احمد (۳۰۱-۳۱-۹۱۴-۴۳) گویا باری قشونی به تعداد ده هزار غلام، مرکب از غلامان خود و غلامان پدر خود و همچنین بقیه سپاه را در اختیار داشته است (۸). قشون خلفای فاطمی عبارت از اردویی بوده که بقیل ناصر خسرو و سر اییان،

(۷) مسکویه، II، ۹۹، ۱۰۰-۱۶۳، ۱۶۶، ۱۷۳-۴، ترجمه، V، ۱۰۴-۵، ۱۷۵-۶، ۱۷۸، ۱۸۶-۸، ۲۴۸، VII، IA: ۲۴۸، اصطخری، VIII، ۱۲۱، ۱۲۲، II، ۱۲۲، ترجمه، V، ۱۲۱، VIII، ۱۲۱، اصطخری، ۲۳۹۱، ابن حوقل، ۴، کریم، لیدن، ۱۹۳۹، II، ۴۷۱، رجوع کن بارتولد، چار رساله در تاریخ آسیای میانه، I، لیدن، ۱۹۵۶، ۷۰.

(۸) فرسخی، تاریخ بخارا، به ترجمه رن، فرای، کبرج، ۱۹۵۴، ۸۵، ۸۶، ۹۴، مسکویه، II، ۱۲۲، ترجمه، V، ۱۲۱، VIII، ۱۲۱، اصطخری، ۲۳۹۱، ابن حوقل، ۴، کریم، لیدن، ۱۹۳۹، II، ۴۷۱، رجوع کن بارتولد، چار رساله در تاریخ آسیای میانه، I، لیدن، ۱۹۵۶، ۷۰.

نامیده میشد، و متشکل از ده هزار پیاده نظام از قبایل و ملل مختلف بوده است (۹) حتی حکمرانان ترکی از قبیل قره خانیان - حتی بدان هنگام که در قرن یازده در ماوراء النهر استقرار محکم یافتند و بر اتحادیه های نامتمرکز و نیمه بدوی حکم میراندند که چندان اتحادیه تامی نداشته - از همان اوایل امر، قشونی مرکب از غلامان داشته اند. ایلگ نصر، حین جنگ با محمود غزنوی در ۱۰۰۷-۸ قشونی را بعدد یک هزار از غلامان خاص خود داشت که وی این قشون را باری در مرکز جبهه جنگ تعبیه کرده بود (۱۰).

بدین صورت غالب قشون دول اسلامی قرن یازده، هسته ای از دسته غلامان داشتند (یگانه استثناء برخی از دودمانهای عرب بادیه نشین عربستان و رؤسای صحاری شام بودند که هنوز طرح و تشکیل قبایلی را ادامه میدادند. با وجود آن، حمدانیان در قشون خود دارای دسته ای از غلام بودند). غلامان ترکی نژاد از لحاظ و فاشعاری و خصایل حماسی رجحان می یافتند؛ لیکن هنگامیکه امر از ترکان لغت مینمودند، نظیر خلیفه المقتدی (۳۵-۵۵ / ۱۱۳۶-۶۰). باز در نیازمندی بیک گارد ترکی نژاد تردیدی وجود نداشت. خلیفه صرف یونانیان و ارمنیان را بجای آن، دوباره سپاهی مقرر نمود (۱۱). اینک صورت معمول استخدام غلامان در قشون یکی از ملل، بانحوه جلب این گروه از طرف سایر ملل، ترجیح واضحی داشته بوده باشد، مشکوک است. معیار این بود که غلامان باید بهی حال درم، باشند و از مناطق دور افتاده از ساحه اقتدار امیر، آورده شده باشند خیانتی که از غلامان سرمبزد معمولاً ناشی از آن میبود که با ایشان در محل، امتیازات

(۹) سفرنامه، طبع سیراقی، تهران، ۱۳۳۵ هـ

(۱۰) عتبی، زمین II، ۸۵: به عقیده رشیدالدین، جامع التواریخ، طبع آتش، II

۴، درسلطان محمود و تاریخ دوره او، استانبول، ۱۹۵۷، ۱۵۲ و مبرخوند IV، ۴۱، عده غلامان پنجاه نفر بود.

(۱۱) البنداری، زبدة النصره، طبع هوتسما، لیدن، ۱۸۸۹، ۲۳۵، رك: الحسيني، اخبار الدولة

السلجوقيه، چاپ محمد اقبال، لاهور، ۱۹۳۳، ۱۲۹

و منافع قانونی کسب میکردند و یا اینکه مورد بی مهری و ساوک خشن افسران واقع میشدند (۱۲).

سبکنگین ، موسس خانواده غزنوی ، خود از میان گارد غلامان امرای سامانی ظهور کرد . رفتار ولی نعمتش ، البتگین یاد آور خطراتی است که بصورت بالقوه دران تشکیلات نظامی مرکب از غلامان ، تراکم یافته بود . البتگین گرچه رسماً بیش از غلامی نبود ، لیکن وی املاک وسیع و ازین بابت عواید بسیار ، در داخل متصرفات سامانی بدست آورد . او بحیث سپه سالار خراسان ، دوهزار و هفت صد غلام شخصی از نژاد ترک بدور خود داشت و بالاخره حینیکه در بار سامانیان را بقصد غزنه و هندوستان ترک گفت ، ازان جمله دو صد نفر را برداشت . چون در ارام سامانیان باره گئی ، سلاح و نقد و جنس غلام ، بعد از مرگ او به افسر نظامیش منتقل میگردد ، نه مستقیماً به پادشاه ، ازین روی مردی نظیر البتگین نمیتوانست به آسانی هر چه بیشتر بر عده اطرافیان خود بیفزاید (۱۳) . این طور رسته های نظامی که در پیرامون شخصی تشکیل میگردد از قدرت نظارت و بازرسی سلطان مصون میمانند ، و در نتیجه در رشته وفاداری او حلقه های وسطی تشکیل مییافت ، که هر یک از این حلقه ها ممکن بود در اثر اندک حسادته از هم میدرید و بهمخالفت امیر بسرمیخاست . ظهور سلطنتهای فرعی ، در داخل کشور سامانی ، نشانه ضعف و فتور در احوال امرای دوره اخیر این دودمان شمرده می شود ؛ یکی از افسران متقدم ایشان ، که قره نگین نام داشت (وفات ۹۲۹/۳۱۷) و مرد زرنگی بود ، از فراهم نمودن ضیاع

(۱۲) ساوک خشن باعث قتل مرداویج بدست غلامان وی شد ، مروج ، IX ، ۲۹۰ - ۳۰۰ ؛

مسکویه ، همانجا ، I ، ۱۶۲ - ۳۱۲ ، ۵ ، ترجمه ، IV ، ۱۸۲ - ۴ ، ۳۵۳ - ۶ و قتل زنگی ،

بندازی ، ۲۰۸ - ۹ و رک همانجا ، مقایسه شود ، ۲۷۱ ، درباره رفتار سنجرد در برابر غلامان .

(۱۳) سیاستنامه فصول ۲۸۱-۲۷ ، ص ۱۱۹

و شکار اجتناب نمود، تا بمبادا مایه آزارش شوند و در امور نظامی مداخله کنند (۱۴).  
 سلاطین دوره اول غزنوی با رجوع به سوابق احوال امرای دوره اخیر سامانی  
 سپهسالاران و افسران عالی رتبه خود را دقیقاً تحت نظارت و تعقیب میداشتند.  
 افسر عالی رتبه قشون غلامان، مربوط به دوره اول غزنوی، «سالار غلامان»  
 نامیده می شد. و حیثیت رسمی او یک پایه پایبندتر از سپهسالار عمومی موسوم به  
 «حاجب بزرگ» بوده است. بیهقی از مقامی بنام «سالار غلامان سرایی» نیز یاد  
 میکند، لیکن در دوره مسعود (۴۲۱-۳۲/۱۰۳۰-۴۰) این مقام با رتبه «سالار غلامان»  
 مساوی بوده است، و هر دو گویا اسم همان یک وظیفه بوده (۱۵). غلامان مرکب  
 از عناصر ترکی نژاد، هندی و مملوکی تاجیک و شاید هم خراسانی بوده اند (۱۶)  
 قسم اول عموماً تلبه داشته و معمولاً مناسب عالی نظامی را اشغال مینمودند.  
 با وجود این، وقتیکه در سال ۱۰۳۳/۴۲۴ افسر ترکی قشون غزنوی در هندوستان  
 که اسم وی احمد بن التگین بود، از انقیاد به غزنه سر باز زد، سلطان مسعود این مقام  
 بسیار مهم را به یک غلام هندی، موسوم به *تلك*، که قبلاً در دستگاه اداری به امور  
 ترجمه اسناد دولتی مصروف بود، سپرد. این انتصاب موجب بروز نارضائی شدید  
 در دربار گردید (۱۷) و در داخل تشکیلات عمومی غلامان، باز یک دسته دیگر هم  
 وجود داشت که گارد شخصی سلطان بود، بنام غلامان سرایی، غلامان خاص  
 و یا غلامان سلطانی. تناسب این دسته ها در مقابل عده مجوه و قشون نامعلوم است  
 لیکن معلوم است که شماره آنها قابل ذکر بوده است (رک: حواشی ۳۲ تا ۳۵).

(۱۴) VIII, 1A, 157: كان يقولو ينفى لى الجند ان يصحبه كلوما ملك اين سار حتى  
 لا يعقله شيء. تأثير تملق به زن و فرزند، در قیابیت حرکی قشون، در چار مقاله نظامی عروضی  
 (طبع معین، تهران، ۱۹۲۲، ۳-۵۱) در خلال حکایتی تمثیلی گردیده، آنجا که سران لشکر  
 و بهترین ملک را آرزوی خانمان بر خاست، و از محرومیت آن «ماول» گشتند، بجای ترجمه  
 اقتباس از متن چار مقاله (مترجم)

(۱۵) رك: بیهقی ۴۸۲، ۱ (۱۶) همانجا، ۶۲۴، (۱۷) همانجا، ۴۰۴، الیت و داسن،  
 و تاریخ هندوستان، لندن، ۱۸۶۷-۷۷، II، ۱۲۵-۹: گردیزی، ۱۲۰، در داوطلبی و وظیفه، تلك  
 ادعا نمود که وی در مقاومت به مقابل تموز از ترك قوی تر است (حملات هند البته از نوع زمستانی بوده است).

آسیای مرکزی. بحیث یک مرجع تاریخی، منبع اساسی تجهیز و تکمیل قشون های ترکی نژاد، خواه از راه خریداری، خواه از طریق تحفه و هدیه، بشمار میرفته است. در دوره ابوالقاسم محمود، رسم و عادت زن ارسلازخان منصور بن علی قره خانی (۴۰۶-۱۵/۱۰۱۵-۲۴) برین بود که هر سال یک جفت غلام، مرد و زن، بساطان تحفه بفرستد هنگام لشکر کشی بر ماوراءالنهر در (۴۱۶/۱۰۲۵) بمقابل ینالنگین، سلطان محمود بسمرقند رسید، و بکهنزار غلام باژستانید؛ در عین حال از متحد خود، قدرخان یوسف، امیر کاشغر و ختن تحایفی از قبیل اسپ و غلامان ترکی دریافت کرد (۱۸). سلطان، مقداری ازین جنس را، از اردوی پدر خود بدست آورده بود. سبکتگین در بدو تسلط بر غزنه قسمت عمده از عواید رسمی خود را وقف از دیاد بیروان والحق ایشان بخود از مجرای سخاوت و مهمان نوازی و مهمانداریهای دوباره در هفته، نمود (۱۹). از سوی دیگر، روی کار شدن امیری جدید، بیرون راندن افسران عالی رتبه را از دستگاه، غالباً بدنبال داشته است. مهاجرت بین «محمودیان» یا «پدریان» از یک سو، و «مسعودیان» یا «نوخواستگان» از سوی دیگر، چیز است که در صفحات تاریخ بیهقی نظر را به آسانی جلب مینماید. حتی قبل از یکی از حملات مسعود بر ترکمانان، این تجویز مقبول بعمل آمد که برای جلوگیری از ظهور مخالفت و حسادت مقامات عالی رتبه بین «محمودیان» و «برکشیدگان» خداوند مساویانه تقسیم کنند (۲۰). گهگاه چنین واقع میشد که غلامانی که با داران شان را بنحوی از دست داده بودند، یا اینکه با داری کفایت سابق خود را ترک گفته بودند، ممکن در خدمت سلطان شامل میگرددند. غزوات هند، از لحاظ غلامان هندی نژاد، مدرك دایمی را تأمین مینمود؛ در یک نوبت، پس از مراجعت از غزوه قنوج در (۴۰۹/۱۰۱۸) پنجاه و سه هزار اسیر به غزنه حمل شد، بالنتیجه بازرگانان همه نقاط قلمرو شرقی اسلام بر غزنین سرازیر گردیدند، قیمت یک غلام از دو تاده دهم بود (۲۱).

(۱۸) بیهقی، ۲۵۴، گردیزی، ۸۴، ابن جوزی المنظم، حیدرآباد، ۱۲۵۷-۹، VIII، ۵۳.

(۱۹) عینی، I، ۶۲، رشیدالدین، ۶، VIII، IA، ۷، ۵۰۳ (۲۰) بیهقی، ۴۸۱-۲.

(۲۱) عینی، II، ۲۹۰-۱، رشیدالدین، ۲۰۸، گردیزی، ۷۶.

بر جمله ای معروف در سیاستنامه، مربوط به تربیت و تدریب غلامان سرایمی امرای سامانی، از طرف دانشمندی مانند بار تولد، استناد گردیده است. نظر به محتویات آن جمله، در دوره سامانی گویا یک بر نامه تربیتی خاص وجود داشته که در طی هفت سال، به علاوه یک دوره ستاز، تکمیل میگردد، بدین صورت که تربیت طفل از مرحله خدمتگاری شروع میشود، و درسی و پنج سالگی بدان پایه زایاقت نایل می آید که امیر مقرر گردد (۲۲). اگر بتوان این بیان را قبول کرد، دیگر، کم از کم لازم نیست برای تحقیق چنین سیستم تربیتی دوره غز نوبان، که خود پیرورده تشکیلات و خلف مدنیت سامانی بودند، زحمت کشف آثار و علائم آنرا بر خود ده وار گردانیم. حقیقت این است که نظام الملک، به احتمال قوی طرح ایده آل خود را در نظر داشته تا اینکه در صدر بیان و شرح واقعیت بر آمده باشد، به بیان دیگر، وی درین مورد تحت تأثیر عواطف جانبداری آمیز آن دسته از تاریخ نویسان واقع شده است که نسبت به آل سامان خوشگویی بوده اند. امرای سامانی، در دوره خود، چنان تجربت اداری و مهارت وافی را نداشته اند که بتوانند یک بر نامه تربیتی بدان سیاق را تنظیم کنند. دستگاه تربیتی کاخ عثمانی، که خاطره آن هنوز محو نگردیده، از موقفی خاص نشأت نمود که سلاطین آن، من حیث حکمرانان قلمروی بزرگ از رعایای مسیحی، بالکانات احراز نموده بودند. مواد تعلیمات ابتدائی سبکتگین مرجمه و دریا، که در «پندنامه» درج است، مشتمل است بر اخذ یک سلسله تجزیه بل معلومی *علم السلطان*، تدرب در فن سوار کاری، ولی عبارت از گذاردن کدام کورس خاص نبوده است. قدر مسلم در باره دوره سامانی این است که در تشکیلات ایشان نوعی سلسله مراتب و طبقات و اصناف مختلف، اگر چه متداخل بوده و حدود معین نداشته، ولی وجود داشته است. وقتیکه امیر ابوالفوارس عبدالملک خواست در (۹۶۰/۳۴۹)، البتگین را عامل بلخ مقرر کند، وی شدیداً عکس العمل نشان داد، زیرا این شخص قبلاً مقام منبع نظامی «حاجب الحجاب» را داشته بود. (۲۳)

(۲۲) سیاستنامه، فصل ۲۷؛ ص ۱۰۹-۱۰؛ بار تولد، ترکمنان تاحمله منول ۲. سلسله انتشارات گیت، لندن، ۱۹۲۸، ۲۲۷، دیده شود. سپولر: Iran in fruh-islamischer Zeit، ۴۸۸، نوت ۶.

(۲۳) محمد ناظم، «پندنامه سبکتگین»، JRAS، ۱۹۳۲، ۶۱۳، ۶۲۳؛ گردیزی، ۴۲.